

زمینه‌یابی تشکیل تعاونیهای تولیدی -

خدماتی در استان مرکزی

از: حوزه معاونت آموزش، تحقیقات و ترویج وزارت تعاون.

مشخصات جغرافیایی

استان مرکزی با مساحتی معادل ۲۹۵۳۰ کیلومتر مربع، ۱/۸۲ درصد از مساحت کل کشور را دارا می‌باشد. این استان تقریباً در مرکز کشور واقع شده و از شمال به استانهای تهران و زنجان و از مغرب به استان همدان، از جنوب به استانهای لرستان و اصفهان و از مشرق به استانهای تهران و اصفهان محدود می‌شود.

براساس آخرین تقسیمات کشوری، در سال ۱۳۷۳ استان مرکزی دارای ۸ شهرستان ۱۵ بخش، ۵۹ دهستان، ۱۳۹۴ آبادی دارای سکنه و ۴۶ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. شهر اراک، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر و مرکز استان است و شهرهای ساوه، سربند، تفرش، محلات، خمین، آشتیان، دلیجان، شهرستانهای دیگر آن را تشکیل می‌دهد.

از نظر طبیعی حدود ۲۵ درصد مساحت استان را دشت‌ها و ۷۵ درصد آن را کوهستان‌ها و کوهپایه‌ها تشکیل می‌دهد و از نظر آب و هوا نیز سه نوع اقلیم در استان یافت می‌شود، یکی اقلیم اراک با ۶۰ درصد مساحت استان با زمستانهای سرد و تابستانهای معتدل، دیگری اقلیم ساوه با

۱۵ درصد مساحت با زمستانهای تقریباً سرد و تابستانهای گرم نیمه خشک و بالاخره اقلیم شازند با ۲۵ درصد مساحت استان با زمستانهای سرد و مرطوب و تابستانهای معتدل که این سه نوع اقلیم به ترتیب از جنوب به شمال به اقلیم‌های شازند و اراک و ساوه مشهور می‌باشند. متوسط بارندگی سالانه استان نیز حدود ۲۸۰ میلی‌متر است که در مناطق بیابانی با ۱۰۰ میلی‌متر و مناطق کوهستانی با ۴۵۰ میلی‌متر متغیر می‌باشد این بارندگی‌ها در مناطق کوهستانی اغلب به صورت برف و در سایر مناطق به شکل باران نازل می‌گردد. مهمترین رودخانه‌های استان، رودهای قره‌چای، قمرود و قره‌کهریز است که آخری فصلی بوده و در تابستان تقریباً خشک می‌شود.

جمعیت و نیروی انسانی

استان مرکزی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ بیش از ۱۰۸۲ میلیون نفر جمعیت داشته که حدود ۲۷۶ هزار یا ۲۴ درصد آن شهرنشین و ۶۰۳ هزار یا ۵۵/۸ درصد آن روستائین و قریب ۲ در هزار آن متحرک و عشایر کوچنده بوده‌اند. این استان در طی

سال‌های ۷۰-۴۵ بطور متوسط بیش ۲/۲ درصد از جمعیت کل کشور را بخود اختصاص داده بود که باتوجه وسعت آن تراکم جمعیت استان بیش از مقدار مشابه در کل کشور می‌گردید اما متوسط رشد سالانه جمعیت استان در طی این دوره همواره از رشد سالانه جمعیت کل کشور کمتر بوده است و سهم جمعیت نسبت به کل کشور نیز سیر نزولی داشته و در حال حاضر هم باتوجه به جمعیت استان که در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۱۱۸۰۰۰۰ نفر شمارش شده، میزان رشد سالانه جمعیت در طی دوره پنجساله ۶۵-۷۰ به رقم ۱/۷۴ درصد رسیده است.

از نظر جمعیت و اشتغال گفتنی است که استان مرکزی بیش از ۲/۱ درصد از کل شاغلین کشور را در خود جای داده و مقایسه این رقم در جمعیت کل کشور تقریباً حاکی از برابری سهم استان در جمعیت کل کشور است. در سال ۱۳۷۰، ۲۶/۵ درصد از کل جمعیت استان فعال بوده‌اند که این رقم در مقایسه با رقم ۲۴/۲ مربوط به سال ۱۳۶۵ بیشتر است. سهم جمعیت فعال نیز در کل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر که در طی دوره ۴۵/۶۵ سیر نزولی را پیموده بود در دوره ۶۵-۷۰ کمی بهتر شده است، باتوجه

به این نتایج و اینکه ضریب رشد جمعیت در طی سالهای ۷۰-۲۵ از کل کشور کمتر بوده، لذا از سیر قهقرائی جمعیت فعال و فاصله گیری آن از سهم جمعیت فعال در کل کشور می توان نتیجه گرفت که موقعیت اشتغال در استان مرکزی، با گذشت زمان چندان مطلوب نمی باشد. بررسی وضعیت نیروی انسانی نشان می دهد که ضریب اشتغال در مناطق مختلف استان متفاوت است بعنوان مثال این ضریب در منطقه تفرش به مرور سیر نزولی داشته و در منطقه محلات با رشد بطنی مواجه گردیده و در مقابل شهرستان خیمین پس از گذراندن رکوده دهه ۱۳۵۵ شرایط رونق اقتصادی را در طی دوره ۷۰-۶۵ آغاز کرده است. و یا اینکه منطقه اراک در همین دوره از رشد مطلوب و فزاینده ای برخوردار گردیده و بالاترین ضریب اشتغال در سطح استان را با بیش از ۵۰ درصد به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج همین بررسی حاکی از آنست که بیشترین ضریب اشتغال در سطح استان به گروه سنی ۲۲-۱۵ ساله مربوط می گردد و بالاخره اینکه با مقایسه ضریب اشتغال موجود در مناطق مختلف استان مشاهده می شود که پررونق ترین بخش های عمده اقتصادی، در شهرستان اراک قرار دارد.

از نظر توزیع جمعیت در فعالیتهای مختلف اقتصادی باید گفت که بخش صنعت و معدن در استان مرکزی نه تنها دارای بزرگترین ضریب اشتغال نسبت به دو بخش دیگر است، بلکه این بخش در دهه ۱۳۵۵ موقعیت جذب نیروی کار بیشتری را پیدا کرده است که در این میان شهرستان های اراک و ساوه در بخش



صنعت و معدن نسبت به بخش های اقتصادی دیگر وضعیت مناسب تری را در دهه ۱۳۵۵ آغاز نموده اند. در مقابل بخش کشاورزی تقریباً شاغلین خود را از دست داده است. در منطقه تفرش با وجودی که ضریب اشتغال بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش ها در سطح بالاتری قرار گرفته، ولی با این حال، باز این بخش شاغلین خود را سریعاً از دست می دهد. شهرستان خیمین در سهم اشتغال خود در بخش کشاورزی چندان تحول نداشته و در بخش صنعت و معدن سیر نزولی پیموده ولی در بخش خدمات آن شاغلین بیشتری مشغول فعالیت شده اند و منطقه محلات دارای ضریب اشتغال بیشتری در بخش های خدمات و صنعت است ولی بخش کشاورزی از نظر جذب نیروی کار از روند مثبت برخوردار می باشد.

از نظر وضعیت کار و بیکاری نیز در طی دوره ده ساله ۶۵-۱۳۵۵ بر تعداد بیکاران استان به شدت افزوده شده و نرخ بیکاری در پایان دور به ۹/۹ درصد رسیده است. در بین سالهای ۷۰-۶۵ از شدت بیکاری کاسته شده و نرخ رشد سالانه به ۰/۲ تقلیل یافته و در سال ۱۳۷۰ به ۸/۲ رسیده است با این وجود هنوز این نرخ برابر نرخ طبیعی یعنی حدود ۵ درصد نیست و از آن تجاوز می نماید از این رو استان مرکزی در شرایط مناسب اشتغال قرار ندارد. بالاترین نرخ بیکاری به شهرستان تفرش مربوط می گردد و شهرستان خمین بعلاوه بهره مندی این شهرستان از شرایط اقتصادی مناسب تر پائین ترین نرخ بیکاری را در سطح استان دارا می باشد. بطوریکه میزان بیکاری در شهرستان مزبور در سال ۱۳۷۰ در حد ۵/۸

درصد یعنی نزدیک به نرخ طبیعی بوده است.

ویژگیهای اقتصادی

کشاورزی

کل اراضی زیر کشت استان مرکزی در سال ۱۳۷۳ بالغ بر ۴۲۴ هزار هکتار بوده که ۱۴/۶ درصد از مساحت استان را تشکیل می‌دهد است. نزدیک به ۴۱۰ هزار از این مساحت در بخش زراعت و بقیه بصورت باغی مورد استفاده بوده است. در زیربخش زراعت محصولات عمده و اصلی استان را گندم و جو و حبوبات و محصولات جالیزی مانند طالبی تشکیل می‌دهد و محصولات باغی بیشتر مربوط به انار و انگور است. ۳۴ درصد ارزش افزوده زیربخش زراعت به غلات و ۲۰ درصد به علوفه و ۱۷/۵ درصد به حبوبات و ۱۱ درصد به محصولات جالیزی و الباقی به تولیدات متفرقه زراعی اختصاص دارد و در زیر بخش باغداری نیز ۶۵ درصد ارزش افزوده به میوه‌جات دانه‌دار و ۸ درصد به میوه‌جات هسته‌دار و ۲۵ درصد به سایر میوه‌جات متعلق می‌باشد.

در زمینه دامداری تعداد گاوهای موجود در استان در سال ۱۳۷۳ بیش از ۳۳۰ هزار راس بوده که بیش از ۷۰ درصد آنرا گاوهای بومی تشکیل می‌دهد است همچنین در سال مزبور مقدار ۱۹۷ هزار تن شیر و بالغ بر ۲۸ هزار تن گوشت قرمز در استان مرکزی تولید گردیده است. علاوه بر گاو، بیش از دو میلیون و یکصد هزار راس گوسفند و بز هم در سطح استان وجود دارد که به شیوه‌های صنعتی و سنتی نگهداری و مورد استفاده واقع می‌شوند.

تعداد مرغداریهای استان نیز بالغ بر ۶۸۷ واحد می‌باشد که ۹۲ درصد آن در تولید مرغ گوشتی فعالیت می‌نمایند و ظرفیتی بیش از ۸۲۷۰ هزار قطعه دارند. همچنین مقدار تولید تخم مرغ استان هم اعم از بومی و صنعتی به ۲۳۰۰ تن در سال می‌رسد.

وسعت مراتع استان از یک میلیون و دویست هزار هکتار بیشتر است که حدود ۷۰ درصد آن در وضعیت نه چندان خوب و ۲۵ درصد در وضعیت بسیار ضعیف و مقدار باقیمانده و جزئی آن در وضعیت نسبتاً مناسب قرار دارند.

بطور کلی می‌توان گفت که قسمت عمده‌ای از مراتع استان دارای گرایش منفی و پس رونده می‌باشند و از این‌رو ضروری‌ترین امر برای جلوگیری از فاجعه نابودی مراتع از طریق جلوگیری از بهره‌برداریهای بی‌رویه و تخریب آنست میزان تراکم دام در واحد سطح استان ۱ واحد دامی در هکتار است که این امر بیانگر فشار بی از حد چرای دام در مراتع استان بوده و بهمین دلیل هم هست که می‌بینیم قسمت مهمی از مراتع استان قبلاً و بطرق مختلف پوشش گیاهی خود را از دست داده و به اراضی غیرقابل بهره‌برداری تبدیل شده‌اند.

صنعت

در سال ۱۳۷۱ تعداد ۱۹۹۰ واحد صنعتی دارای مجوز از وزارتخانه‌های صنایع، معادن و فلزات، و جهادسازندگی با حدود ۴۳ هزار شاغل در سطح استان فعالیت می‌کرده‌اند که سهم شاغلین بخش صنعت با احتساب نزدیک به ۱۶ هزار نفر

شاغلین صنایع دستی در اشتغال استان ۱۵/۴ درصد بوده است.

نتایج سرشماری عمومی صنعت و معدن در سال ۱۳۷۳ نشان می‌دهد که تعداد ۴۶۹۶۴ واحد اقتصادی در استان مرکزی وجود دارد که از این تعداد ۱۷/۳ درصد در فعالیت‌های صنعت و معدن ۲ درصد در فعالیت‌های ساختمانی، تامین آب و برق و گاز ۵۴ درصد فعالیت‌های عمده فروشی و خرده فروشی، تعمیر وسائط نقلیه موتوری، تعمیر کالاهای شخصی و خانوادگی و هتل و رستوران ۵/۳ درصد فعالیت‌های آموزشی و ۱/۹ درصد فعالیت‌های بهداشتی و مددکاری اجتماعی و بقیه در سایر فعالیت‌های اقتصادی مشغول بوده‌اند. همچنین براساس اطلاعات همین سرشماری از کل شاغلان کارگاههای موجود استان ۳۴/۸ درصد در فعالیت‌های صنعت و معدن اشتغال داشته‌اند. در بین سرمایه‌گذاریهای جدید بدون در نظر گرفتن صنایع نفت و پتروشیمی، صنایع فلزی نقش برتر را ایفاء می‌نماید، ولی گرایش صنعت با آهنک ملایم از سمت صنایع فلزی مطلق به سمت سایر صنایع از جمله صنایع کانی غیرفلزی و نساجی و شیمیایی سوق داده شده است.

در سال ۱۳۷۳ در استان مرکزی مجموعاً ۹ شهرک صنعتی با وسعت ۲۵۰۶ هکتار و اختصاص ۱۳۷۳/۶ هکتار زمین صنعتی که به ۴۲۶۶ قطعه تقسیم گردیده است وجود داشته که براساس پیش‌بینی‌های انجام شده می‌تواند زمینه اشتغال نهائی ۱۱۳/۶۰۰ نفر فراهم آورد.

در ارتباط با صنایع دستی می‌توان گفت که عمده‌ترین فعالیت در این بخش صنعت

از نظر بازرگانی و تجارت، عدم تمرکز و تراکم مناسب سرمایه در بخش فروش، گسترش بی‌رویه واحدهای خرده‌فروش با سرمایه در بخش بازرگانی، همگی نشانه‌های عدم پویایی و یک پارچگی این بخش از فعالیتهای اقتصادی استان می‌باشد. این ویژگیها بخش بازرگانی را از عملکرد موثر و سازنده در روند توسعه منطقه بازداشته و رفع آنها ضرورت اجتناب‌ناپذیری است که باید در راستای توسعه جامع منطقه به آن پرداخته شود. رشد بی‌رویه واحدهای خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و رکود تشکلهای نوین در فعالیتهای تجاری، نشانه بارز پراکندگی حوزه عمل تعدد و تنوع نامناسب فروش در صنوف مختلف در کانونهای جمعیتی منطقه بشمار می‌رود بطور نمونه شهر اراک به عنوان یک کانون عمده جمعیتی و مرکز ارائه خدمات برتر، به رغم در برگیری واحدهای بزرگ تولیدی، فاقد مراکز فروش چند منظوره‌ای فراخور ابعاد جمعیتی، فیزیکی و خدماتی است. با این همه از آنجا که بخش بازرگانی، بخش سودآوری است، لذا ارزش افزوده حاصل از عملکرد این بخش می‌تواند زمینه مناسب رشد و توسعه سایر بخش‌های تولیدی را فراهم آورد. سودآوری بخش بازرگانی و ارزش افزوده نسبتاً بالای این بخش در منطقه، موجب آن شده است تا گروه قابل ملاحظه‌ای از جمعیت فعال جلب اشتغال در این زمینه گردند. این گرایش نه تنها بهره‌وری نیروی کار را در بخش بازرگانی نازل ساخته، بلکه آسیب‌پذیری بخش را بدلیل سرمایه‌گذاریهایی اندک در راه‌اندازی واحدهای خرد و متعدد فروش، در برابر



معدن در استان مورد شناسائی قرار گرفته که شامل تعداد ۷۹ معدن فعال ۳۲ معدن متروکه و ۱۲۴ اندیس معدنی می‌باشد که از این اندیس‌ها ۵۶ اندیس آن مربوط به سرب و روی است که در جنوب و جنوب شرقی استان قرار دارد.

کل نیروی انسانی شاغل در بخش معدن استان ۷۵۹ نفر است که تعداد ۳۸۹ نفر آن در زمینه استخراج سنگ‌های تزئینی ۲۴۲ نفر در معادن فلزی و ۱۲۷ نفر در معادن غیرفلزی بکار اشتغال دارند.

باتوجه به فعالیتهای موجود در زمینه معدن باید گفت که تولیدات معدنی استان در سالهای پس از انقلاب اسلامی از رشد مطلوبی برخوردار بوده است بطوریکه تولیدات معادن سرب و روی به دو برابر و تولیدات سنگ آهن حدود ۷ برابر گردیده است.

بازرگانی و خدمات

فروش می‌باشد بطوریکه در سال ۱۳۷۱ تعداد ۱۳۰۱۳ نفر بافنده در ۱۱۵۱۷ کارگاه، بیش از ۴۴ هزار مترمربع فرش تولید نموده‌اند. فعالیتهای دیگر این بخش شامل کلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، مسگری، گیوه دوزی سفالگری، خاتم‌سازی، معرق کاری و حصیربافی می‌باشد که جمعاً ۲۸۵۲ نفر را در برمی‌گیرد.

معدن

استان مرکزی با توجه به شرایط خاص زمین‌شناسی دارای معادن خاصی بوده که از نظر نوع به سه دسته تقسیم می‌شود.

- ۱- معادن سنگ‌های تزئینی شامل تراورتن، سنگ چینی، مرمر و مرمریت
 - ۲- معادن غیرفلزی شامل خاک‌های صنعتی فلدسپات، سیلیس و گچ
 - ۳- معادن فلزی شامل سنگ آهن، سرب، روی و تنگستن
- بطور کلی تاکنون ۲۵۳ معدن و اندیس

نوسانات اقتصادی، افزایش داده است.

از ویژگیهای مثبت و امکانات بارز بخش بازرگانی منطقه، خود بسندگی نسبی آن در مقایسه با بسیاری از مناطق کشور است. در چنین هم‌سنجی، استان مرکزی، با تنوع تولیدات کشاورزی و صنعتی و بهره‌مندی از سطح متناسبی از خدمات، وابستگی چندان به کانونهای عمده توزیع و تولید کشور ندارد و در بیشتر موارد، تامین کننده نیاز مصرفی سایر مناطق دور و نزدیک نیز می‌باشد، که چنین زمینه‌هایی یک امکان قابل توجه برای بخش بازرگانی و توسعه آن محسوب می‌شود.

تصویری از وضعیت بخش تعاون

براساس نتایج سرشماری عمومی صنعت و معدن در سال ۱۳۷۳، مجموعاً تعداد ۸۰۵۷ کارگاه در زمینه صنعت در استان مرکزی فعالیت داشته‌اند که باتوجه به آمار تعاونیهای صنعتی در همان سال به تعداد ۱۳۷ شرکت تعاونی، نقش محدود بخش تعاون را در یک استان دارای رتبه پنجم از لحاظ صنعتی در کشور، نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که در سال مزبور ۱/۷ درصد کارگاههای صنعتی استان به بخش تعاون تعلق داشته است، همچنین از مجموع ۱۱۸۷ کارگاه کشاورزی سرشماری شده در زمینه‌های زراعت، باغداری، دامداری، دامپروری، مرتعداری، ۱۵۲ کارگاه یعنی برابر ۱۲/۸ درصد به بخش تعاون اختصاص داشته است. و اما از مجموع ۴۷ کارگاه استخراج معدن استان که در سال ۱۳۷۳ فعالیت می‌نمودند نزدیک به ۷۰ درصد آنها مختص بخش تعاون بوده است.

در زمینه توزیع و خدمات وجود قریب به ۱۷۰ شرکت تعاونی مصرف فعال در سطح استان، نقش مهمی در تامین کالاهای مورد نیاز ۸۷۰۰۰ نفر اعضاء را که می‌توان هر یک از آنها را بعنوان نماینده یک خانوار بحساب آورد، به عهده داشته‌اند. با این وجود در سال ۱۳۷۳ از مجموع ۲۴۶۵۷ واحد عمده فروشی و خرده فروشی و تعمیر وسایل نقلیه که در سطح استان به فعالیت مشغول بوده‌اند تنها ۲۸۷ واحد آن که حدود ۱/۱۶ درصد واحدهای خدماتی فوق را تشکیل می‌دهد، تعاونی بوده‌اند.

باتوجه به وضعیت موجود آنچه که در مجموع می‌توان بیان نمود این است که ظرفیت بخش تعاون در وضعیت فعلی نسبتاً محدود بوده و حجم گسترده ظرفیت‌های فعلی خصوصاً در بخش صنعت و خدمات، زمینه گسترده‌ای برای توسعه کمی و کیفی بخش تعاون استان، بشمار می‌آید.

استعدادهای و نیازهای اقتصادی

در استان مرکزی به دلیل محدودیت منابع آب و خاک قابل استفاده در بهره‌برداریهای زراعی امکان توسعه بخش کشاورزی در زیر بخش زراعت و باغداری محدود است و لذا هرگونه سرمایه‌گذاری جدید در این زمینه باید معطوف به اصلاح فعالیت‌های موجود و تقویت این فعالیت‌ها بمنظور افزایش تولید و بهره‌وری بیشتر و حداکثر استفاده از ظرفیت آنها گردد. زیرا که در شرایط موجود از تمام ظرفیت‌ها بهره‌برداری کافی بعمل نمی‌آید. لیکن در زمینه تولید مواد پروتئینی این امکان برای استان مرکزی فراهم است که بدلیل قرار گرفتن آن در کنار بازارهای مصرف

بزرگی همچون تهران، اصفهان و قم، با ایجاد واحدهای دامپروری و دامداری و پرورش مرغ و طیور و تولیدات مواد پروتئینی و همچنین هدایت واحدهای دامداری و دامپروری سنتی به سوی صنعتی شدن بتواند علاوه بر نیازهای مصرف داخلی استان قسمت عمده‌ای از نیازهای استانهای پر مصرف همجوار خود را تامین نماید.

در زمینه صنعت استان مرکزی اصولاً یک استان صنعتی بحساب می‌آید و به نظر می‌رسد که تحول و توسعه آینده آن نیز عمدتاً در گرو رشد تولیدات صنعتی باشد. گذشته از صنایع موجود که زمینه‌های قدرتمند صنعتی را در استان ایجاد نموده است، مرکزیت اراک موجب شده است که خطوط فرآورده‌های نفتی و نفت خام جنوب و خطوط لوله گاز غرب کشور از اراک بگذرد. از نظر نیروی برق نیز اراک در مرکز خطوط فشار قوی برق و لوله‌های نفتی خوزستان به تهران قرار گرفته است. لذا با عنایت به این موارد و باتوجه به اینکه راههای اصلی کشور اعم از راه آهن و راههای اسفالتی از اراک می‌گذرد مجدداً صنعتی شدن و قابلیت‌های استفاده نشده استان را گوشزد می‌نماید. با این همه استان مرکزی مخصوصاً شهرهای ساوه و اراک باتوجه به وضعیت فعلی خود دیگر توان جذب صنایع سنگین و بزرگ را ندارد و در زنجیره سلسله مراتب صنایع جای صنایع سبک که به تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز جامعه می‌پردازند و می‌توانند جایگزین واردات شوند خالی است. در این منطقه، صنعتی که بین صنایع سنگین و

صنایع دستی باشد تقریباً مفقود است، از این رو توجه به صنایع پائین دستی صنایع مهم و استراتژیک منطقه و مهمتر از همه آنها پتروشیمی اساسترین هدفی است که باید در زمینه توسعه صنعتی استان مورد توجه قرار گیرد.

در زمینه صنایع دستی، این منطقه یکی از تولید کنندگان مهم فرش دستباف در کشور می‌باشد، اما این فعالیت در فرهنگ منطقه صرفاً یک فعالیت زنانه شناخته می‌شود و بجز فعالیتهای مقدماتی مثل تهیه نقشه، ریستدگی و رنگرزی که مشترکاً زنان و مردان در آن اشتغال دارند، بافت فرش به وسیله زنان انجام می‌گیرد.

با این همه ظرفیت توسعه این صنعت در استان بسیار گسترده است و در صورت هدایت و حمایت می‌تواند بعنوان یک فعالیت مولد و اشتغال‌زا خصوصاً برای زنان جلوه‌گر شود.

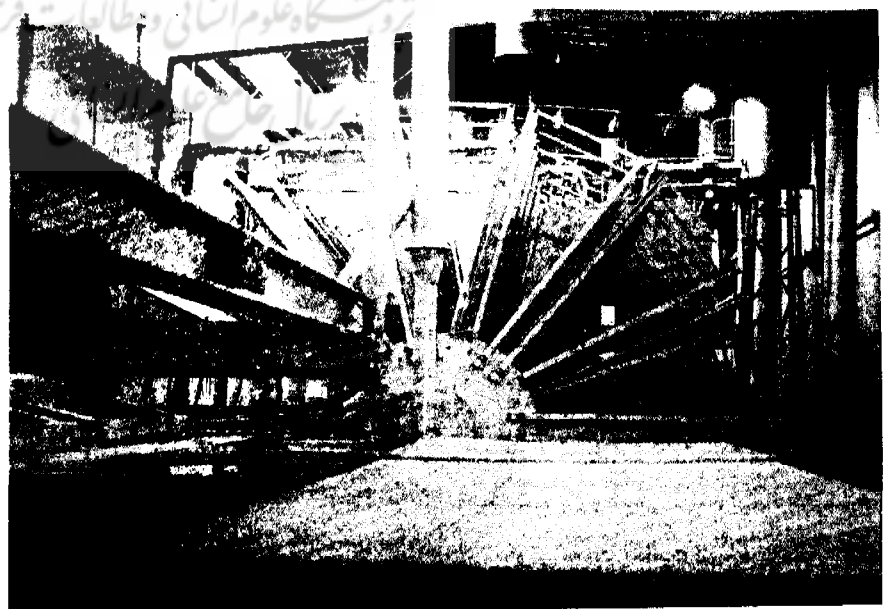
در زمینه معدن استان مرکزی از منابع کافی و قابلیت‌های معدنی چشمگیری به

ویژه در زمینه کانیهای فلزی برخوردار نیست لذا در بخش معدن امید چندانی به فعالیت‌های جدید و فرصت‌های شغلی تازه در حد قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد چون در حال حاضر برداشت از معادن استان معمولاً با تکنولوژی ابتدائی انجام می‌گیرد و میزان ضایعات آن بسیار بالا است لذا به لحاظ پائین بودن بهره‌وری سرانه در بخش معدن گرایش به سرمایه‌گذاری در این بخش پائین است. عدم بکارگیری روش‌های نوین در مدیریت معادن و عدم استفاده از تکنولوژی مدرن و ماشین‌آلات جدید، از جمله مسائلی است که بی‌ربغیتی سرمایه‌گذاران را در این بخش تشدید می‌نماید.

از نظر بازرگانی استان مرکزی به علت موقعیت جغرافیائی خود و پیوندهای دیرینه مبادلاتی، بین کانونهای جمعیتی و اقتصادی این منطقه با سایر مناطق و استقرار در مسیر تهران - خوزستان از امکانات تجاری و مبادلاتی با اهمیتی

برخوردار است در این میان، شبکه بازرگانی منطقه نیز از این نقش تاثیر پذیرفته است. تجارب داد و ستد سنتی کالا که در گذشته نه چندان دور در حجره‌ها و کاروانسراهای اراک رونق داشته و این شهر را به کانونی برای مبادلات فرآورده‌های نواحی مرکزی ایران و مکان مناسبی برای صدور برخی از تولیدات کشاورزی به خارج از کشور بدل نموده، از مرکزیت اراک در امر تجارت و بازرگانی حکایت می‌کند. از طرفی توان نسبتاً بالای تولید در بخش‌های تولیدی منطقه، حوزه نفوذ گسترده مبادلات استان و همجواری آن با کانونهای عمده مصرفی کشور، از جمله امکاناتی است که می‌توان با تکیه بر آنها، بخش بازرگانی را در جهت توسعه جامع منطقه ساماندهی نمود. البته در کنار امکانات موجود بخش بازرگانی، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد که عرصه را بر بهره‌گیری متناسب از آن تنگ ساخته و مجال استفاده از این امکانات را کمتر می‌نماید. بدیهی است که تمامی این مشکلات و نارسائی‌ها از عملکرد درونی این بخش ناشی نمی‌گردد بلکه برخی از محدودیت‌ها نتیجه تاثیرپذیری داد و ستد منطقه از عملکرد کلان بخش بازرگانی در سطح کشور می‌باشد که رفع آنها در گرو برقراری و اعمال تمهیداتی فرا منطقه‌ای است.

در زمینه خدمات نیز گفتنی است که استان مرکزی فاقد زیربنای لازم است بعنوان مثال مراکز درمانی و بیمارستانی شهر اراک که مرکز استان است و امکانات بیشتری نسبت به سایر شهرستانهای تابع



استان دارد، هنوز بهمان صورتی است که پیش از استان شدن داشته است و اگر اقداماتی در جهت افزایش تخت‌های بیمارستانی صورت گرفته در قالب فضاهای قبلی و بکارگیری امکانات فیزیکی موجود بوده و موجب پائین آمدن سطح استاندارد آنها شده است.

از موانع دیگر اینکه بعضی از دستگاه‌های اجرائی هنوز واحد استانی ندارند و یا اگر دارند اختیارات لازم به آنها تفویض نشده است و بالاخره اینکه توان و تجربه‌ای که در مدیریت اجرائی سایر استانها مشاهده می‌شود هنوز در این استان وجود ندارد و از نظر کادر کارشناسی توانمند، استان مرکزی با کمبود جدی روبروست.

زمینه‌های امکان‌پذیر جهت ایجاد تشکل‌های تعاونی

باتوجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده در مورد استعدادها و توانائی‌های بالقوه استان و همچنین تگناها و محدودیت‌های موجود بر سر راه هر یک از فعالیت‌های اقتصادی، زمینه‌های شناسائی شده در هر یک از بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات و بازرگانی که از مزیت‌های نسبی برخوردار می‌باشند بشرحی که خواهد آمد معرفی خواهند گردید. لیکن قبلاً باید این موضوع را در نظر داشت که اغلب در هر یک از بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، عوامل محدود کننده‌ای وجود دارد که بر روی هم در نوع تصمیم‌گیری تاثیر خواهند گذاشت بعنوان مثال چون آب بعنوان یک عامل محدودکننده، در استان مطرح است،

توسعه صنایع آب بر را با مشکل مواجه می‌نماید و یا در بخش کشاورزی همین عامل نه تنها ایجاد واحدهای کشاورزی جدید را در زیربخش زراعت و باغداری محدود می‌سازد بلکه وجود موانع قانونی در شهرستانهای اراک و ساوه از نظر حفر چاه جهت استفاده واحدهای دامداری و دامپروری، هر نوع برنامه‌ریزی توسعه را مشکل و در مواردی غیرممکن می‌نماید. از این رو آن چه که پیش از هر چیز باید مورد توجه قرار گیرد این است که در زمینه ازدیاد تولید و ایجاد اشتغال جدید به شیوه تعاونی بهتر آنست که ساختار فعلی تعاونیهای تولیدی و خدماتی موجود استان اصلاح گردد و در جهت افزایش میزان استفاده از ظرفیت‌ها تلاش لازم بعمل آید. اگرچه اظهار نظر دقیق در مورد میزان ظرفیت بکار گرفته شده در هر واحد تقریباً کار مشکلی است لیکن به جرات می‌توان گفت که بخش عظیمی از ظرفیت‌ها خالی است که توجه به آن باید در صدر برنامه‌های توسعه تعاونیها قرار داده شود. با عنایت به موارد فوق تشکیل تعاونیهای جدید و متناسب با شرایط هر یک از مناطق استان مرکزی در زمینه‌های زیر امکان‌پذیر خواهد بود.

در زمینه کشاورزی: ایجاد واحدهای تعاونی مرتعداری، بمنظور جلوگیری از تخریب مراتع در مناطق سرپند، خمین، ساوه و اراک.

ایجاد واحدهای تولید ادوات و تجهیزات کشاورزی باتوجه به نیاز کشاورزی به این ادوات خصوصاً در فصول کاری در مناطق کشاورزی حومه شهرستانهای خمین اراک و ساوه، ایجاد تعاونیهای پرورابندی

کوساله در شهرستانهای اراک، خمین، سرپند، ساوه، تفرش و دلجان با در نظر گرفتن استعداد بالقوه شهرستانهای مزبور در این زمینه ایجاد واحدهای تعاونی گاوداری شیری صنعتی بدلیل بالا بودن ظرفیت منطقه، در اکثر نقاط استان.

ایجاد واحدهای تعاونی مزرعه مرغ مادر در شهرستانهای اراک و خمین باتوجه به حجم گسترده مرغداریهای استان و ضرورت تامین نیاز جوجه مورد استفاده آنها.

ایجاد واحدهای تعاونی پرورش مرغ گوشتی و تخمگذار در شهرستانهای مختلف بعلت نیاز خود استان و استانهای همجوار به گوشت سفید و تخم‌مرغ، ایجاد تعاونیهای پرورش زنبور عسل در شهرستانهای خمین، محلات و سرپند باتوجه ب طبیعت مناسب این مناطق، ایجاد واحدهای تعاونی پرورش ماهیهای سردآبی و گرم آبی با در نظر گرفتن نیاز استان به گوشت سفید و امکان ایجاد آن در شهرستانهای خمین، سرپند و اراک.

در بخش صنعت و در زمینه صنایع تبدیلی ایجاد واحدهای تعاونی تولید خوراک دام و طیور، ایجاد واحدهای تعاونی تقاله خشککن در جنب کارخانه قند سازند، در سرپند و در تکمیل زنجیره‌های تولید ایجاد صنایع تعاونی بسته‌بندی و تولید جعبه چوبی و بطری شیر و در زمینه صنایع پائین دستی صنایع مادر و استراتژیک باتوجه به فرآورده‌های مجتمع پتروشیمی اراک، ایجاد تشکل‌های تعاونی جهت فعالیت در زمینه‌های مختلف محصولات صنعتی مواد پلی‌اتیلن از قبیل ظروف مایعات کیسه، پوشش بسته‌بندی

ورق پلاستیکی فیلم، روکش سیم و کابل لوازم سبک و یکبار مصرف، جعبه‌های حمل و نقل، لوازم سبک خانگی الیاف و دهها قلم کالای دیگر، همچنین وجود شرکت سهامی پتروشیمی و تنوع محصولات پائین دستی این صنعت در استان فرصت مناسبی را فراهم آورده است تا واحدهای تعاونی مختلفی باتوجه به محدودیت منابع آب و رعایت مسائل زیست محیطی در مناطق مستعد استان ممکن گردد این فعالیت‌ها عبارت از تولید لوله‌های پلی‌اتیلین، سموم نباتی، لوله خرطومی قطعات یدکی اتومبیل تخت کفش، لوله پی‌وی‌سی، سسی اسید کلریدریک، ظروف ملامین، صابون، حلال‌ها و مواد بهداشتی می‌باشد. ضمناً باتوجه به ضرورت تولید قطعات و امکان فعالیت در این زمینه تشکیل واحدهای تعاونی ریخته‌گری صنعتی، آبکاری پروفیل آلومینیوم، اتصالات لوله‌کشی، لوازم گازسوز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در زمینه صنایع غیرفلزی تشکیل واحدهای تعاونی تولید چینی، گچ، اسفالت، تیرچه بلوک، موزائیک و کاشی و سرامیک، پودر کائولین و ظروف بلوری شمر بخش می‌باشد و در زمینه صنایع نساجی، پوشاک و چرم نیز اقدام به فعالیت به شیوه تعاونی در رشته‌هایی از قبیل تولید لباس‌های ورزشی، ریسندگی خامه قالی، کتشفافی و جوراب‌بافی توصیه می‌گردد.

در زمینه معدن باتوجه به وجود معادن خاکهای رنگی در استان امکان ایجاد تعاونی جهت استخراج خاکهای صنعتی و رنگی در مناطق ساوه، تفرش و دیجان و محلات وجود دارد همچنین در

ورق پلاستیکی فیلم، روکش سیم و کابل لوازم سبک و یکبار مصرف، جعبه‌های حمل و نقل، لوازم سبک خانگی الیاف و دهها قلم کالای دیگر، همچنین وجود شرکت سهامی پتروشیمی و تنوع محصولات پائین دستی این صنعت در استان فرصت مناسبی را فراهم آورده است تا واحدهای تعاونی مختلفی باتوجه به محدودیت منابع آب و رعایت مسائل زیست محیطی در مناطق مستعد استان ممکن گردد این فعالیت‌ها عبارت از تولید لوله‌های پلی‌اتیلین، سموم نباتی، لوله خرطومی قطعات یدکی اتومبیل تخت کفش، لوله پی‌وی‌سی، سسی اسید کلریدریک، ظروف ملامین، صابون، حلال‌ها و مواد بهداشتی می‌باشد. ضمناً باتوجه به ضرورت تولید قطعات و امکان فعالیت در این زمینه تشکیل واحدهای تعاونی ریخته‌گری صنعتی، آبکاری پروفیل آلومینیوم، اتصالات لوله‌کشی، لوازم گازسوز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

شهرستانهای ساوه، تفرش، محلات، اراک و سرزند انجام فعالیت در زمینه استخراج سنگ‌های تراورتن و نما امکان‌پذیر بوده و در بعضی در مناطق فوق نیز می‌توان به تشکیل تعاونی جهت استخراج سنگ آهن، آهن منگنزدار و سرب و روی اقدام نمود.

در بخش خدمات و بازرگانی، ایجاد شرکتهای خدماتی در زمینه صادرات و واردات در شهرهای اراک و ساوه و محلات بمنظور بازاریابی و صدور محصولات کشاورزی میوه‌جات و گل و کالاهای

بقیه از صفحه ۷۳

و آزمایش دقیق قرار می‌گیرد و سپس به انباری که توسط کامپیوتر تحت نظارت و کنترل قرار دارد، منتقل می‌گردد. سپس برنج ذخیره شده، تا زمان دریافت سفارشات خرید از جانب مشتریهای شرکت تعاونی، همچنان در انبارها نگهداری می‌شود. پس از دریافت سفارشات، برنج سبوسدار به یکی از شش آسیاب متعلق به تعاونی در منطقه «ریورنیا» انتقال می‌یابد.

مرحله آسیاب کردن شلتوک (برنج سبوسدار) هم، بمنظور دستیابی به محصول نهایی با کیفیت مطلوب و دارای رتبه صنعتی دلخواه و یکی از پرفرودارترین محصولات برنج در جهان، میبایست دقیق و کامل انجام پذیرد.

تعاونی برنجکاران یکی از نمونه‌های موفق مدیریت استرالیایی است. این شرکت تعاونی در سرتاسر دوران فعالیت‌های خویش همواره با مال‌اندیشی پیش‌بینی‌های لازم برای تفسیر و تحول در

صنعتی و معدنی ضروری است. کمبود سردخانه نیز در استان ایجاب می‌نماید که حداقل چهار سردخانه در شهرستانهای اراک، ساوه، خمین و سرزند در قالب تعاونی تاسیس گردد. علاوه بر موارد فوق زمینه‌های فعالیت به شیوه تعاونی در بسیاری از رشته‌های خدماتی نیز در استان موجود می‌باشد که از جمله می‌توان از فعالیت‌هایی مانند ایجاد مهدکودک، ایجاد موسسات آموزشی، ورزشی، تفریحی، نشر و تبلیغ و همچنین ارائه خدمات به تولیدکنندگان نام برد.

تقاضای مشتریان خویش را در دستور کار خود داشته است. همین امر - موجب گردیده است این شرکت به یکی از نهادهای ملی هدایتگر در عرصه تولید، تجارت و بازاریابی، مبدل شود. در واقع این تعاونی مدعی در اختیار داشتن دوهزار نوع، نشان و بسته‌بندی مختلف جهت حمل برنج‌های تولیدی خویش به بازارهای داخلی و ماوراء بحار می‌باشد. راه رسیدن به موفقیت نه تنها عزم و اراده نیل به خوشنامی و فضیلت است بلکه درک روشن و درستی از این واقعیت است که منابع ما محدود هستند. صنعت برنج در استرالیا، نیل به اندیشه توازن بین تولیدات کشاورزی بالقوه و ثبات درازمدت محیط زیست را بگونه‌ای مطلوب هدایت نموده است.

در سال ۱۹۹۵، تعاونی به تنهایی بیش از ۶۰۰ میلیون دلار درآمد نصیب استرالیا کرد. صنعت برنج، صنعتی است که تمام استرالیاییها باید با آگاهی از روند پیشرفت آن به خود ببالند. آینده این کشور را سلامت و ثروت مردمش تضمین خواهد نمود و شرکت تعاونی برنجکاران سهم خود را در تأمین سلامت و افزایش ثروت مردم، محکم و استوار خواهد نمود